



نوروز پیوند دهنده ایرانیان و فارسی زبانان جهان

پروین ناهیدی

نوروز عید ملی و باستانی ایرانیان با قدمتی دیرین، سرآمد همهٔ اعیاد و جشن های جهان است که به رغم گذر چندین هزارسال از عمر با برکت آن، همچنان پابرجاست و نقطهٔ اتفاق و اتحاد ایرانیان و همهٔ آن هایی است که از فرهنگ و تمدن کهنسال ایرانی بهره برده اند. آن - پروردگار قادر متعال - پرداخته است.

نوروز به عنوان نمادی از رستاخیز طبیعت، از تاریخ دیرین و رسم و آیین های ویژه برخوردار است. جشن نوروز بهانه‌ای است تا ایرانیان در پایان و آغاز هر سال با توسل به آن و زنده نگاه داشتن مظاهرنیک فرهنگ و تمدن ایرانی، یکپارچگی و یکرنگی خود را در برابر دیدگان سایر ملت های جهان به نمایش گذارند و نغمهٔ صلح و دوستی و مهربانی و شادی و شکرگزاری و ستایش پروردگار سردهند.

ستایش طبیعت در آیین های نوروزی، یادگار هستی شناسی ای است که الوهیت و انسانیت در آن همواره به

هم آمیخته و هر صورت و وجودی، نشان و آیتی از قدرت الهی بوده است و ایرانی با هر قوم و مذهبی، با بیش از چهار هزارسال پیشینهٔ آن، آن را با معیارهای امروزی و با تکریم و ستایش نوزایی طبیعت به ستایش سرچشمهٔ آن - پروردگار قادر متعال - پرداخته است.

و اکنون این پیر روزگار که در همهٔ قرون و با همهٔ نسل ها از روزگار افسانه ای جمشید تا اکنون زیسته و با همهٔ ما همراه بوده است، رسالت بزرگ خویش را همه وقت با قدرت و عشق و وفاداری انجام داده است و آن، زدودن رنگ پژمردگی سیمای این ملت نومید و زخمی است و در آمیختن روح مردم این سرزمین با روح شاد و جان بخش طبیعت. و مهمترین که پیوند دهندهٔ نسل های متوالی این قوم که در مسیر حوادث تاریخ نشسته و نیز پیمان یگانگی بستن میان دل های خویشاوندی که دیوار بیگانهٔ دوران ها

درمیانشان حایل گشته وجدایی افکنده است.

نوروز در ایران:

ایرانیان امروز به تبع پیشینیان خود، نوروز را گرمی می‌دارند و از نیمهٔ دوم اسفند با خانه‌تکانی و تهیهٔ سبزه و خرید لباس نو و هدایا برای خویشان و نزدیکان، به استقبال عید نوروز می‌روند. مراسم عید رسماً با آتش افروزی در آخرین چهارشنبهٔ سال (چهارشنبه سوری) آغاز می‌شود.

نوجوانان و جوانان در پشت بام یا حیاط خانه‌های خود آتش روشن می‌کنند و با خواندن ترانه‌ها و اشعار فولکلوریک، از روی آتش می‌پرند و برای خود آرزوی خوشبختی می‌کنند.

دراکثر نقاط ایران چند روز مانده به نوروز، خانه و اشیاء آن را غبارروبی می‌کنند و هرگونه آلودگی و ناپاکی را از محیط می‌زدایند. به دیدار نزدیکان و خویشاوندان می‌روند تا رشته‌های الفت و مهرورزی را محکم‌تر کنند. آخرین شب جمعهٔ سال، مردم بر سر قبور اموات خود حاضری شوند و با خواندن دعا به روح آنان درود می‌فرستند. شب سال نو را با یاد مردگان آغاز می‌کنند. در این شب به یاد مردگان فانوس روشن می‌کنند و آتش می‌افروزند. ایرانیان باستان تصویری کردند که با افروختن آتش بر بام‌ها، فروهرها راه خانه را می‌شناسند و آن را می‌یابند. فروهرها هر سال یک بار به خانه‌های خویش می‌آیند تا بازماندگانشان را ببینند و برکت و فراوانی را با خود به همراه می‌آورند. اما اگر خانه آشفته باشد، بی آن که برکتی ببخشند، بازمی‌گردند. هم‌اکنون نیز عده‌ای به بازگشت ارواح در ایام نوروز عقیده دارند.

نزدیک تحویل سال مردان در مساجد جمع می‌شوند و چهل یاسین می‌خوانند و زنان در خانه‌ها به چیدن هفت سین

نوروز و پیشینهٔ آن:

نوروز یادگار نیاکان آریایی ایرانیان است. به قول برخی محققین، از قرون سیزدهم و چهاردهم قبل از میلاد، و به قول برخی دیگر از اوایل هزارهٔ دوم قبل از میلاد رایج بوده است. برخی پژوهشگران احتمال می‌دهند که نوروز قبل از مهاجرت آریائی‌ان، در میان اقوام بومی "نجد" ایران رواج داشته است.

زنده یاد دکتر مهرداد بهار می‌گوید: "از هزارهٔ سوم قبل از میلاد در آسیای غربی دو عید رواج داشت: عید آفرینش در اوایل پاییز، و عید باززایی که در آغاز بهار برگزار می‌شد. در ایران نیز نوروز شامل عید بهاری و مهرگان عید پاییزی بوده است. عید نوروز ایران در بین النهرین نیز سابقه دارد. در اواسط هزارهٔ دو عید بهاری (نوروز) و پاییزی (مهرگان) به یک عید تبدیل شده است.

در شاهنامهٔ فردوسی نوروز به جمشید نسبت داده شده است که در تخت جمشید مراسمی برای نوروز برگزار می‌شده است. بنابه نوشتهٔ ابوریحان بیرونی، در ششمین روز نوروز آفرینش جهان به پایان رسیده است. متون پهلوی نیز به روی دادن بسیاری اتفاقات گذشته و آینده در این روز اشاره دارد که تولد زردشت و گسترش دین از جملهٔ آن‌هاست.

روز اول نوروز به نام خداوند (اهورامزدا) و روز ششم به نام خرداد (یکی از امشاسپندان) نامگذاری شده است. اهورامزدا با حرکت بخشیدن به خورشید (که در برج حمل بود) زمان را آغاز کرد و شب و روز به وجود آمد. از آن پس ایرانیان این روز را گرمی داشتند، چون روز امید بود و خوشبختی در بین زمینیان تقسیم می‌شد.



می پردازند. هفت سین دراصل "هفت سینی" (هفت خوان) نکرده است.

بوده است که ایرانیان پیشین درنوروز برای امشاسپندان آماده می کرده اند. هنگام تحویل سال، همهٔ اعضاء خانواده گرد هم جمع شده و آغازسال نورا به یکدیگرتبریک می گویند.

گاهی دید و بازدیدها تا روز ۱۳ فروردین ادامه می یابد. دراین روز که به "سیزده به در" موسوم است، همه به دامان طبیعت پناه می برند.

یکی از بازی های نمایشی، حاجی فیروز است که هنوزرایج می باشد و می توان وی را درروزهای آخراسفند دید که صورتش را سیاه کرده و لباس های رنگارنگ پوشیده

و تنبک زنان درکوچه ها وخیابان ها با خواندن اشعار نوروزی، فرارسیدن بهاررا به مردم نوید می دهد. دراغلب نقاط ایران علاوه بر آداب و رسوم ملی و همگانی، آداب و رسوم اختصاصی و بومی نیز برگزارمی گردد؛ مانند مراسم کوسه گردانی درآذربایجان و مراسم عروس غولی یا عروس گلی درگیلان و مراسم نوروزخوانی که دربسیاری ازمناطق ایران رواج داشت. دراین مراسم نوروزخوان ها درکوی وبرزن به راه می افتادند و به خواندن شعرو آواز می پرداختند که عمدتاً این اشعار دروصف طبیعت بود و با هیچ سازی همراه نبود.

سنت های نوروز درافغانستان:

افغانستان به عنوان سرزمین کهن وباستانی مهد فرمانروایی پیشدادیان و کیانیان ازدوران دیرین و اززمان جمشید پیشدادی تا امروز شاهد تجلیل جشن نوروز و انجام آداب و رسوم مردمی دراین راستا بوده است.

اینک به برخی پیشینه های نوروزی در افغانستان می پردازیم:

خانه تکانی: با فرارسیدن نوروز خانواده ها جهت طلب پاکی و صفا، خانه ها را کاملاً تمیزی کنند. درگذشته



نوروز بعد از اسلام:

اعراب عید نوروز و عید مهرگان را همانند ایرانیان پیش از اسلام برگزارمی کردند. حضرت محمد ص پس از مهاجرت به مدینه به اهالی آن جا فرمودند که خداوند به جای این دو عید (نوروز و مهرگان) به شما دو عید دیگر ارزانی کرده (عید فطر و عید قربان) ولی اعیاد ایرانیان را تحریم

روایتی هم هست که دراصل "هفت سینی" بوده؛ یعنی در نوروز هفت نوع غذا در هفت ظرف درخشان (سفره) قرار می دادند. این روایت هم هست که اصلاً سفره نوروزی "هفت شین" بوده که عبارت بود از: شراب، شهد، شمع، شکر، شیر، شاهد^۱ و شمشاد، که هریک نماد یکی از امشاسپندان زردشتی بوده است.

در سفره نوروز سعی می شود که سبزی باشد، مخصوصاً سبزی پلو؛ و نیز ماهی و تخم مرغ که نماد حیات و باروری است.

سکه، که بیانی از غنا و ثروت و آرزوی وسعت روزی است؛ قرآن، بیان ایمان و صداقت؛ شمع، نشان روشنی؛ و آینه نماد پاکی و صفای قلب.

هنگام تحویل سال نو باید شیر یا شیربرنج در حال جوشیدن باشد. آتش افروخته بود و بعد از تحویل باید شیرینی در دهان خود بگذارند تا همیشه کام ها شیرین باشند.

تجلیل رسمی و تاریخی:

اکنون در افغانستان در نوروز، در مرکز ولایت باستانی بلخ، شهر مزارشریف علم حضرت علی^ع برافراشته می شود و این جشن تا چهل روز ادامه می یابد.

میلۀ دهقان: در سال های اخیر افغانستان در نوروز در یکی از روزهای هفته اول یا دوم فروردین که هوا خوب و آفتابی است، میلۀ دهقان و یا میلۀ نهال شانی و قلبه کشی را تجلیل می کرد. این جشن در مرکز ولایات به ابتکار وزارت زراعت (کشاورزی) برگزار می شد. دهقانان و کشاورزان، شرکت کنندگان اصلی آن بودند. در این جشن حیوانات خوب و پرورش یافته دهقانان به نمایش گذاشته می شد و هدایایی به آن ها داده می شد و نمونه

معمول بود که در آخرین چهارشنبه سال، چهارشنبه سوری می کردند و از بالای آتش می پریدند و این بیت را می خواندند: زردی من از تو / سرخی تو از من

طبق روایات باستانی، پاکی و صفا در خانه ها از آن باور نشأت می گیرد که پیشینیان ما عقیده داشتند در نوروز و در شب سال نو، روح گذشتگان به خانه ها سر می زنند و در صورت مشاهده پاکی و صفا شادمان می شوند، در غیر آن آزرده می گردند و دیگر از بازمانده های خود یاد نمی کنند و آن ها را از برکت خویش محروم می سازند. نیز معتقدند که ارواح در انتظار زیارت قبورشان و دعا از جانب بستگان خویشند.

آب زدن: در نوروز اکثراً به همدیگر آب می پاشند و تمام اطراف خانه را آب می زنند و همه اشیاء را می شویند و خود نیز غسل می کنند.

جشن نوروزی: روایات افسانه ای و تاریخی نشان می دهد که نوروز از عهد کیومرث نخستین فرمانروا و یا نخستین انسان آریایی جشن گرفته می شده است. مردم افغانستان هم اکنون نوروز را جشن می گیرند. در این روز لباس نو می پوشند و به تفریحگاه ها و طبیعت و کوه می روند و به شادمانی می پردازند و بر این باورند که آغاز سال با خوشی سبب می گردد که انسان تا آخر سال شاد باشد.

نوروزی: نوروزی تحفه و هدیه و لباسی است که دو جوان نامزد در ایام نوروز برای یکدیگر می فرستند تا در ایام نوروز بپوشند. این لباس ها با میوه و شیرینی و ماهی همراه است.

هفت سینی: هفت سینی دربرگیرنده هفت نوع خوراکی می باشد که با حرف "س" شروع می شوند که عبارتند از: سیب، سیر، سرکه، سمارق، سمک، سنجد، سبزی.



از نظامیان تیموری با ملا محمد دانش آموز مدرسه نظامیه هرات عاشق یکدیگر شدند که تفاوت طبقاتی، پیوند آن ها را مشکل ساخته بود. عایشه ناگزیر دریکی از روزها در کنار چشمه قرنفل، میله گاه دختران، این سرود را زمزمه کرد که گویا آرزو کرد به بارگاه شیرخدا برود و خداوند مشکل آن ها را حل کند. گویند علیشیر نوایی از این حکایت آگاه شد و آن ها را به مرادشان رساند و به مزار حضرت علی^ع مشرف شدند.

بیا که بریم به مزار ملامد جان
سیل گل لاله زار ملامد جان
به دربار سخی جان گله دارم
یخن پاره ز دست تو نگارم
پس از مرگم بیایی بر مزارم
مدامم در دعا در انتظارم

به تن کردی گلم رخت سیاه را
کنم تعریف یار بی وفا را
به دنیا مه اگه غمخوار ندارم
بگیرم دامن شیرخدا را
بیا زیارت کنیم شیرخدا را
به چشم مالیم همان قلف طلا را
مه دعا می کنم آمین بگوین
خدا کامیاب کند هردوی ما را

نوروز در تاجیکستان:

تاجیکان نیز مانند ایرانیان به استقبال نوروز می روند و به خانه تکانی می پردازند و اشیاء وظروف خانه را غبارروبی کرده و محیط زندگی و ظاهر خود را آراسته می سازند.

های ابزار آلات کشاورزی از مقابل تماشاچیان عبوری کرد تا تحولات کشاورزی ارزیابی شود. در همین روز در بخش های مختلف شهر، نهال های زینتی غرس می گردید. در تفریحگاه ها بزمکشی صورت می گرفت و مردم شادی می کردند. البته با ممنوعیت تجلیل از نوروز توسط طالبان، همه این سنت ها تعطیل شد.

سرودهای نوروزی: هدیه شعر و سرود از سنت های کهن و دیرینه نوروز است. قدیم ترین سرود نوروزی که با ثبت خیام در نوروزنامه به دست ما رسیده است، مربوط به دوره ساسانیان است که به نام "سرود خسروانی" یا "آفرین موبد موبدان" خوانده می شد.

با ظهور اسلام، نوروز پیوند خود را با دین حفظ کرد. در دوره اسلامی به ویژه در افغانستان نوروز و جشن نوروز با خلافت حضرت علی^ع گره خورد. به اعتقاد مسلمانان حضرت علی^ع در این روز بر تخت خلافت نشسته و از این رو نوروز متبرک است.

نوروز شد و جمله جهان گشت معطر
از بوی خوش لاله و نسرين و صنوبر
بر تخت خلافت بنشست آن شه ابرار

داماد نبی، شیرخدا، ساقی کوثر
وبرهمن اساس اشعاری سروده شد خطاب به آستان آن حضرت که سرود "ملا ممد جان" نمونه ای از آن هاست.

ملا ممدجان: طبق اعتقاد مردم افغانستان، مقبره حضرت علی^ع در قریه خواجه خیران بلخ قرار دارد و دولت تیموری جشن نوروز را بیشتر از هر زمان دیگر تجلیل نمود و مقرر گردید همه مردم در نوروز به زیارت شیرخدا بروند.

گفته می شود دولت تیموری عقد جوانان را با تقبل هزینه ها در بلخ انجام می داد. در هرات عایشه دختر یکی



قبل از شروع عید نوروز، جاروی سرخ رنگی را هنگام طلوع خورشید درمقابل خانه می گذارند. پس از طلوع خورشید اسباب خانه را بیرون می گذارند و پارچه ای سرخ را بر سردر خانه می آویزند. پس از تحویل سال، زن خانه پیش از همه وارد خانه می شود و اشیاء و اسباب را درخانه می چیند.

سنت های نوروزی مردم تاجیکستان تفاوت چندانی با سنت های نوروزی رایج در ایران ندارد. آن ها نیز پیش از عید اشیاء کهنه و شکسته را دور می اندازند. در چهارشنبه سوری آتش روشن می کنند و از روی آتش می پرند و شعر می خوانند.

در تاجیکستان "گندم تر کردن" و "سمنک ماندن و سمنک پختن" از مراسم همیشگی نوروز است. بازی هایی چون تخم مرغ بازی، بُزکشی، کشتی گیری، جنگ کبک، جنگ خروس در ایام نوروز بین مردم رایج است.



پی نوشت ها:

۱- شاهد در تداول پارسی زبانان به نوع بذری گفته می شد که اساس امتحان در به گزینی کشت است.

منابع:

- ۱- مهرداد بهار/ از اسطوره تا تاریخ/ تهران/ نشر چشمه
- ۲- حکمت الله ملاصالحی/ نوروز آیین جهانشمول، زایش و رویش و رستاخیز/ مجله پیوند/ شماره سوم/ جمهوری تاجیکستان
- ۳- محمدرضا درویشی/ آیین خنیاگری و نغمه های نوروزی/ مجله پیوند/ " "
- ۴- علی آذرشن/ مجله پیوند/ " "
- ۵- بهروز وجدانی/ موسیقی و نوروز در حوزه های فرهنگ ایرانی/ " "
- ۶- جان هنیلز/ اساطیر ایران/ ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی/ تهران/ نشر چشمه
- ۷- یحیی ذکاء/ نوروز و بنیاد نجومی آن، در همبستگی با تخت جمشید/ انجمن ایران باستان/ ۱۳۵۸
- ۸- دکتر امیری/ مجله صبح امید/ سال دوم، شماره هفدهم/ جمهوری تاجیکستان
- ۹- شمس الحق آریانفر/ جشن نوروز و مراسم نوروزی در بستر تاریخ/ فصلنامه فرهنگی آمو/ شماره های ۲، ۳، ۴/ سال دوم/ جمهوری تاجیکستان